یادداشت

بحران مشارکت و ابر چالش‌های ملی و محلی

جواد گیاه شناس*

انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی‌ایران به پایان رسید و دولت بر آمده از این انتخابات بر سر کار آمد. تکمیل کابینه با رای اعتماد به وزیر آموزش و پرورش آخرین اقدام برای به قدرت رسیدن کابینه دولت سیزدهم بود.

در این میان و آنچه در بحث‌های بین دولت و مجلس گذشت چند ابر واژه ای بود که در آن میان نقش «مردم و بحران در مشارکت سیاسی» کاملا به ورطه فراموشی سپرده شده بود.

موضوع احیای برجام ومذاکرات وین، تورم افسار گسیخته، بحران آب در برخی از استان ها و مطالبات آموزش و پرورش و معلمان را می‌توان بعنوان شاخص ترین مولفه‌های مورد توجه دولت و جامعه در صد روز نخستین دولت سیزدهم ارزیابی نمود.

اما آنچه بدان بی توجهی شد و می‌تواند بستر بسیاری از بحران‌های ثانویه در کشور را ایجاد نماید موضوع تحلیل و یا کاهش «سرمایه اجتماعی» در کشور است که بطور واضح در انتخابات نمایان گردید.

انتخابات بعنوان نمادی موثر در این راستا و به عنوان شاخصه ارزیابی موثر رابطه بین مردم و حاکمیت به طرز حیرت انگیزی مغفول حاکمیت گردید و متاسفانه دولت و مجلس نیز به هیچ عنوان و در جریان رای اعتماد به وزرای پیشنهادی به این موضوع توجهی نکردند که این انتخاب آیا منتهی به حل بحران مشارکت در بین مردم و نخبگان خواهد شد و رابطه بسیار شکننده مردم و حاکمیت را بهبود بخشیده و یا به تعمیق این بحران خواهد افزود.

آنچه از منظر جامعه شناسی سیاسی مشارکت در ایران کاملا مشهود است اکنون با دو شکاف بنیادین«دولت-ملت» و «دولت-دولت» مواجه ایم.

به نظر می‌رسد قبل از هر چیز ترمیم این شکاف ها که منتهی به بحران‌های امنیتی به بهانه‌های مختلف از جمله آب و ... خواهد بود می‌بایست در سرلوحه اقدامات دولت قرار گیرد. موضوعی که استانداران مستقر از جمله قاسمی‌فرزاد استاندار همدان نیز تا کنون بدان توجهی نداشته و فعالیت خود و انتخاب مدیران را نیز به حلقه بسته جناح سیاسی خود موکول ساخته است.

علی القاعده شناخت مطالبات و منافع همه مردم می‌بایست با بکارگیری نخبگان- فارغ از جناح بسته سیاسی که یک جناح اقلیت است- صورت پذیرد.

***دبیر حزب مردم سالاری استان همدان**

یادداشت

اقتصاد موازی در منطق قدرت

حسین‌لقمانیان

برکنار بامی‌ای مستِ مُدام
پست، بنشین یا فرود آ والسّلام

فساد و آشنابازیِ نظام مند با تحریف قدرت و تحریف بیان اراده ی مردم، عملکرد دموکراسی را تحلیل می‌برد. در واقع، قدرت مردمی‌به سود منافع شخصی صاحبان قدرت منحرف می‌شود. باندازه ی کافی به این نکته اشاره نشده است که دموکراسی بدون جوهر و ضرورت اساسی اش، یعنی پرهیزگاری، بدترین حکومت هاست. مونتسکیو می‌گوید که بدون پرهیزگاری «جمهوری پوسته یی است توخالی و قدرت آن صرفاً قدرت تنی چند از شهروندان و مجوّزی برای همگان است.» بدون پرهیزگاری، اخلاقِ حرفه یی محو می‌شود. دولت اقتدارش را ازدست می‌دهد، نهادها متزلزل می‌گردد و دچار بی ثباتی می‌شوند و بدین ترتیب، اِعمال قدرت به هنر حکومت کردن بر پایه نیرنگ و قصور بدل می‌شود. هنگامی‌که نظام اقتصاد موازی در منطق قدرت جای می‌گیرد، هدف آن صرفاً تسلّط بر چگونگی توزیع ثروت ملّی است. این نظام چرخه ی شوم و غیر قابل تحمّل فقر را به چرخش در می‌آورد، فقر پرهیزگاری مدنی را تحلیل می‌برد؛ فقدان پرهیزگاری مدنی دموکراسی را ضعیف می‌کند؛ دموکراسی ضعیف شده روند توسعه را مختل می‌سازد؛ بدون توسعه زندگی اقتصادی از کار می‌افتد و فروپاشی نیز موجب افزایش فقر می‌شود. اگر مردم به عمق جامعه پی ببرند، اراده شان می‌تواند این چرخه ی شوم را در هم شکند. می‌توان سدهای میان جامعه ی مدنی و جامعه ی سیاسی را از سر راه برداشت و راه را برای اداره ی مسؤولانه ی کشور هموار کرد و این شرطی ضروری و اولیّه برای جلب کمک مؤثّر جامعه ی بین المللی است.

خبر

رئیس سازمان مدیریت استان همدان:

درآمدهای همدان در سال آینده ۲۷۳۰ میلیارد تومان خواهد بود

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان همدان خبرداد: در لایحه بودجه ۱۴۰۱ موضوعات و جهت‌گیری‌های بسیار مهم و پر اهمیتی در نظر گرفته شده است که بسیاری از آنها برای اولین بار در لایحه بودجه آورده شده است. سید اسکندر صیدایی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه سازمان برنامه و بودجه کشور در راستای سیاست‌های دولت سیزدهم لایحه بودجه ۱۴۰۱ را تدوین و تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد، افزود: لایحه بودجه ۱۴۰۱ اولین لایحه دولت آقای رئیسی است و دولت‌ها معمولا اهداف، سیاست‌ها، نگاه ارزشی و مباحث مد نظر خود را برای تحقق در لایحه بودجه مطرح می‌کنند تا پس از موافقت مجلس شورای اسلامی اعتبارات مورد نیاز به آن‌ها اختصاص پیدا کند. وی با بیان اعتبارات بودجه‌ای استان همدان در لایحه بودجه ۱۴۰۱، عنوان کرد: مجموع اعتبارات هزینه‌ای (حقوق، دستمزد اضافه‌کار و رفاهی) استان همدان که مربوط به دستگاه‌های استان است، ۶۳۶ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ خواهد بود که این میزان در بودجه سالجاری ۵۳۰ میلیارد تومان بوده که ۱۶ درصد رشد داشته است همچنین در ردیف اعتبارات تملک استانی در لایحه بودجه ۱۴۰۱ با ۲۴۹ درصد افزایش نسبت به بودجه سالجاری از ۱۵۰ میلیارد تومان به ۴۹۹ میلیارد تومان رسیده است.

صیدایی همچنین ادامه داد: از دیگر اعتبارات موجود در لایحه بودجه سال آینده، درآمد سه درصد نفت از ۱۰۰ میلیارد تومان در بودجه سال ۱۴۰۰ با ۳۱ درصد رشد به ۱۳۲ میلیارد تومان در بودجه سال ۱۴۰۱ تومان تبدیل شده است. همچنین اعتبارات توازن در سال ۱۴۰۱ بدون تغییر نسبت بودجه سالجاری ۵۸۵ میلیارد تومان خواهد بود. درآمدهای استان همدان نیز از هزار و ۶۶۰ میلیارد در سال ۱۴۰۰ به دو هزار و ۷۳۰ میلیارد تومان در بودجه سال ۱۴۰۱ رسیده که با رشدی حدود ۶۰ درصد همراه بوده است.

وی با اشاره به موارد حائز اهمیت عنوان شده در لایحه بودجه ۱۴۰۱، ادامه داد: در نظر گرفتن فرمایشات و تاکیدات مقام معظم رهبری از جمله، اصلاح ساختار بودجه، بهبود فضای کسب و کار، اصلاح نظام بانکی، ارتقاء سرمایه گذاری و اشتغال، در نظر گرفتن برنامه تحولی رئیس جمهور، آسیب شناسی اقتصاد، تغییر ریل سیاست‌های مالی، توجه به رشد اقتصادی ۸ درصد و عدالت محوری، توجه به بهره وری و تحقق ۳.۵ درصد رشد از طریق آن، توجه به سرمایه‌گذاری، ایجاد صندوق پیشرفت و عدالت در استان‌ها، پیش‌بینی پاداش پایان خدمت بازنشستگان و جانبازان از جمله مواردی است که در این لایحه برای اولین مرتبه آورده شده است. صیدایی همچنین به دیگر موارد ذکر شده در این لایحه پرداخت و عنوان کرد: پیش‌بینی رتبه‌بندی معلمان(۲۵ هزار میلیارد تومان)، تقویت اعتبارات استان‌ها در جهت تمرکز زدایی، توجه به ظرفیت‌های مطالعات آمایش استان‌ها، ساماندهی و ادغام طرح‌های موازی، افزایش اعتبارات برنامه مقابله با فقر مطلق (افراد تحت پوشش کمیته امداد، بهزیستی و...)، برنامه محور کردن بودجه ۱۴۰۱، افزایش اختیارات استانداران، عادلانه کردن پرداخت‌های پرسنلی، توسعه صادرات، افزایش پلکانی حقوق کارکنان دولت از دیگر نکاتی است که در لایحه بودجه ۱۴۰۱ به آن‌ها پرداخته شده است. وی با اشاره به موارد حائز اهمیت موجود در لایحه بودجه ۱۴۰۱ گفت: در این لایحه یارانه‌های اقشار مختلف با افزایش قابل ملاحظه‌ای همراه خواهد بود همچنین در صندوق توسعه استانی به محرومین و اقشار مختلفی که دارای درآمد کمی هستند توجه بیشتری شده است و حقوق افراد کم درآمد تا ۳۰ درصد و افرادی که درآمد بالایی دارند ۱۰ درصد به صورت پلکانی برای سال آینده افزایش پیدا می‌کند؛ لازم به ذکر است که بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۱ کف حقوق ۴ میلیون ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان همدان با تاکید بر اینکه بر اساس دستور مقام معظم رهبری مبنی بر اصلاح ساختار بودجه، این مهم در لایحه بودجه ۱۴۰۱ لحاظ شده است، بیان کرد: بودجه به صورت برنامه محور، ساده و شفاف شده است به گونه‌ای که سهم نفت نسبت به دوره‌های قبل کاهش پیدا کرده و درآمدهایی نظیر گمرک، فروش اموال و مالیات جایگزین آن شده است.

عدم تخصص، پاشنه آشیل شورای اصولگرا...!!

میلاد وندائی

آنگاه که بشر، طبیعت را عرصه حضور خود نمود، و از هزاره‌های هشتم و نهم قبل‌از میلاد توانست با بهره بردن از خرد و هوش خود، طبیعت را به کنترل درآورد، هنر و معماری نیز عنصری جدا نشدنی از تاریخ انسان شدند. در گذار این هزاره ها تا به امروز و به ویژه پس از دوره رنسانس و ورود به دنیای مدرن از سده نوزدهم میلادی، بهره بردن از انسان‌های تکنوکرات و شایسته یکی از مهمترین عوامل پیشرفت جوامع به سوی رشد بوده است؛ در این میان بهره بردن از تاریخ و فرهنگ توسط حاکمین هر سرزمین شاه کلید توسعه پایدار و مستقل از دیگر جوامع غیر بومی‌بوده که توانسته استقلال ملل مختلف را از یکدیگر حفظ کند.

شوراهای شهری و روستایی یکی از مهمترین ابزارهای حاکمیت برای در اختیار گذاشتن کنترل و نظارت جوامع توسط مردم همان جامعه است که خواسته یا ناخواسته نمودی کلی از مردم همان شهر نیز هست؛ اما از فردای روز انتخابات ششمین دوره شورای شهر، تنوع افراد حاضر در شورای ششم همدان نمایانگر حضور افراد غیر متخصص و غیر تکنوکرات در پارلمانشهری بود که تاریخ و تمدن کلید واژه ای جدا نشدنی از نامش است و حفاظت و نگهداری از تاریخش مهمترین وظیفه تمامی‌مردم و به ویژه اعضای شورای شهر است.

تعطیل کردن کمیسیون گردشگری توسط منتخبین جدید در روزهای نخست نشستن بر کرسی شورا، نشان داد که تاریخ، هنر و معماری بهره بردن از آنها به عنوان مهمترین بنگاه‌های اقتصادی کشور و شهر، برای منتخبین جدید پارلمان شهری هیچگونه ارزشی ندارد و برای گردشگری و میراث باستانی همدان احترامی‌قائل نیستند، اما گویا این تنها آغاز کار بود...!

تخریب مدرسه تاریخی ظفر، که یکی از قدیمی‌ترین مدارس شهر همدان در تاریخ معاصر آن بود و جزئی از تاریخ مشترک مردمانی که چندین نسل از اعضای خانواده‌های آنان تحصیل علم کرده بودند، قدمی‌دیگر در مسیر تخریب میراث فرهنگی شهر همدان بود، که نه تنها هیچ یک از اعضای شورای شهر زیر بار آن نرفتند، حتی از سوی شهرداری بدون شهردار هم هیچ کس زیربار دستور امضای تخریب آن نرفت و شد آنچه نباید می‌شد، یعنی محو شدن تاریخ و معماری مدرسه ظفر از صحنه فرهنگ و تمدن همدان...!

این دو اتفاق، شورا و شهرداری همدان را وارد بحرانی کرد که اگر برای هر کلان شهر دیگری رخ داده بود، بی شک مدیریت شهری و اعضای شورای آن حداقل حرکتی در مدیریت این بحران می‌کردند و یا حداقل پاسخگو به مردم خود بودند، اما به جای این اتفاقات و البته می‌توان گفت از بدشانسی شورای ششم، دیروز «خانه تاریخی شیری» در منطقه یک همدان، که یکی از آثار در حال ثبت ملی توسط سازمان میراث فرهنگی بود و شهرداری می‌توانست با عملیات اولیه حفظ و احیاء نفسی تازه به آن بدمد تخریب شد، و متاسفانه اثری دیگر از آثار تاریخی همدان از بین رفت.

بی شک تخصص و دانش آکادمیک در کنار تجربه و پختگی در مدیریت شهری، امری اجتناب ناپذیر و واجب است که نبود آن نه تنها می‌تواند زندگی روزمره را دچار اختلال کند، بلکه می‌تواند گذشته هر فرهنگی را تخریب و آینده آن را در ابهام فرو ببرد، و این عدم تخصص، تبدیل به پاشته آشیل در شورای با اکثریت شورای اصولگرای ششم شهر همدان شده است.

نظام سیاست‌گذاری و تناقض پارادایمی

نقش مردم و گروه‌های ذی‌نفع در مسلخ پارادایمِ غالب!

حسن مایلی

با نظری گذرا بر نظام سیاست‌گذاری در ایران و ارزیابی سیاست‌های تدوین شده، ضعف و ناکارآمدی نظام سیاست‌گذاری در سطوح مختلف به سهولت قابل رؤیت است. گرچه عوامل بسیاری در ضعف و ناکارآمدی نظام سیاست‌گذاری نقش دارند؛ اما این نوشتار صرفاً درصدد است بی‌توجهی به نقش مردم و گروه‌های ذینفع را در فرآیند سیاست‌گذاری بعنوان یکی از پیشران‌های ناکارآمدی‌های موجود به صورت اجمالی مورد بررسی قرار دهد.گرچه غفلت از نقش مردم و گروه‌های ذینفع در تمامی‌مراحل فرایند سیاست‌گذاری در ایران به وضوح قابل رؤیت است و بی‌توجهی به خواست عموم از جمله ویژگی‌های نظام سیاست‌گذار به شمار می‌رود؛ اما حوادث آبان ۹۸ و برگزاری انتخابات غیررقابتی در سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ را می‌توان چیرگی کامل پارادایم حکومت محور و عریانی وجه اجبار در نظام سیاست‌گذاری در ایران توصیف کرد.

مفهوم پارادایم سیاست‌گذاری

توماس کوهن (Thomas Kuhn) در سال ۱۹۶۲ در کتابی با عنوان« ساختار انقلاب‌های علمی» عنوان کرد پیشرفت‌های علمی‌مهم نتیجه انباشت تدریجی علوم نیست؛ بلکه پیامد انقلاب علمی‌است که موجب می‌شود دانشمندان با مفروضات جدید از منظری متفاوت به پدیده‌ها بنگرند. کوهن استدلال کرد در هر دوره زمانی علم در سیطره یک پارادایم قرار دارد و به مرور زمان مسائلی جدید مطرح می‌شود که قابل تبیین با پارادایم موجود نیست؛ لذا بی‌قاعدگی‌ها انباشت و بحران شکل می‌گیرد و نهایتاً منجر به انقلاب علمی‌می‌شود و پارادایم جدید با مفروضاتی نو غالب می‌شود.

پیتر هال (Peter Hall) با بهره‌گیری از مفهوم تغییر پارادایم از دنیای علوم طبیعی به تعریف مفهوم پارادایم سیاست‌گذاری پرداخت. مطابق تعریف، پارادایم سیاست‌گذاری یک نظام معنایی را شکل می‌دهد که با احاطه بازیگران و تصمیم‌گیران آن‌ها را در تفسیر واقعیات و شناسایی و تعریف مسائل و همچنین ارائه راه‌حل‌های آن‌ها کمک می‌کند. پارادایم سیاست‌گذاری ابزار مفیدی برای تحلیل فضای حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری به شمار می‌رود و با بهره‌گیری از آن و شناسایی پارادایم غالب می‌توان گذارها و تغییر پارادایم‌های محتمل را از صافی نظر گذراند.

پارادایم حکومت‌محور

در پارادایم حکومت محور رابطه نظام سیاست‌گذار با مردم و گروه‌های ذینفع رابطه عمودی، سلسله مراتبی و درختی است. این پارادایم مبتنی بر تجویز توأم با فشار و تحمیل بوده و فاقد توجه لازم به مشارکت مردم و جامعه مدنی در فرایند سیاست‌گذاری است. رویکرد سنتی حاکم بر این پارادایم روابطی آمرانه را نسبت به مردم و جامعه مدنی در نظر می‌گیرد و توأم با دستور و کنترل و مهارهای مدیریتی برای اعمال سیاست‌های تدوین شده است. با پیچیده‌تر شدن جوامع، ناتوانی و ناکارآمدی پارادایم حکومت‌محور در پاسخ به مسائل جدید رخنمون و ناهنجاری‌ها انباشت و سپس بحران بروز یافت. ناتوانی پارادایم حکومت‌محور از فقدان ظرفیت کافی حکومت برای پاسخ به مسائل پیچیده و جدید پرده برداشت و بر ضرورت توجه به نقش شهروندان و جامعه مدنی برای ارتقای ظرفیت نظام سیاست‌گذاری صحه گذاشت.

پارادایم حکمرانی

با بروز ناتوانی‌ها در پارادایم حکومت‌محور و انباشت بی‌قاعدگی‌ها بحران بروز یافت و گذار به پارادایم حکمرانی در دستور کار قرار گرفت. ژیل دلوز (Gilles Deleuze) و فیلیکس گاتاری (Felix Guattari) با ارائه مفهوم ریزوم (زمین ساقه) یکی از بنیان‌های منطق حکمرانی را بنا نهادند. دلوز با استفاده از شکل ظاهری ریزوم به تشریح دو نگاه و تفکر پرداخت. وی تفکر و نگاه درختی را شامل ارتباطات خطی، عمودی و سلسله مراتبی و تفکر و نگاه ریزومی‌را شامل ارتباطات افقی، چندگانه و همه‌جانبه توصیف کرد. در نگاه دلوز تفکر ریزومی‌فاقد مرکز و رده‌بندی و برخلاف نگاه درختی با به چالش کشیدن فعل بودن، فعل شدن را به نمایش می‌گذارد. مطابق نگاه دلوز ارتباط و الگوی حاکم بر روندها و پدیده‌ها الگویی ریزوم‌وار و افقی است. این پارادایم بر تعامل حکومت و سازمان‌های اجتماعی و مشارکت مردم و جامعه مدنی در فرآیند سیاست‌گذاری تأکید دارد. در این پارادایم مذاکره و اقناع و ارائه توضیح و تفسیر سیاست‌ها جای دستور، کنترل و تحمیل را می‌گیرد و روابط ریزوم‌وار و افقی جایگزین روابط سلسله مراتبی و عمودی می‌شود. نظام سیاست‌گذاری جلب حمایت افکار عمومی‌و تبدیل خواست عمومی‌به سیاست‌های دولت و نیز تشکیل شبکه‌های سیاستی منبعث از تعامل حاکمیت و دولت با مردم و گروه‌های مدنی را در دستور کار قرار می‌دهد و فرآیند سیاست‌گذاری در تمامی‌مراحل آن نموداری از بازتاب خواست عمومی‌است.

نقش مردم و گروه‌های ذی‌نفع در مسلخ پارادایمِ غالب!

اگر با نگاهی کلی فرآیند سیاست‌گذاری را مشتمل بر چهار مرحله‌ی انتخاب و تعریف مسئله، تدوین سیاست‌ها، اجرای سیاست‌ها و ارزیابی پسینی بدانیم؛ نقش مردم و جامعه مدنی در اثربخشی هر یک از چهار مرحله یادشده امری ضروری و حائز اهمیت است و در صورت بهره‌گیری از این ظرفیت بالقوه ضمن ارتقاء ظرفیت و کارآمدی نظام سیاست‌گذاری، اعتماد و سرمایه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. با این وصف با نظری بر نظام سیاست‌گذاری در ایران غفلت از مشارکت فعال مردم و جامعه مدنی در مراحل فرایند سیاست‌گذاری و در تمامی‌سطوح و حوزه‌ها به وضوح قابل رویت است. سیاست‌گذاری با رویکردی سنتی و سلسله مراتبی با تجویزهای توام با فشار، بی‌توجهی به تبیین و تشریح سیاست‌ها و غفلت از مشارکت مردم و نهادهای مدنی در فرایند سیاست‌گذاری از شاخص‌های اصلی نظام سیاست‌گذار در ایران به شمار می‌رود. شاخص‌هایی که یکایک آن‌ها را می‌توان در سیاست‌گذاری پیرامون اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و در نتیجه‌ی آن حوادث آبان ۹۸ مشاهده کرد. شاخص‌های مذکور و بروز نارسایی‌های یاد شده ضرورت گذار به پارادایم حکمرانی در نظام سیاست‌گذاری را بیش از پیش یادآور می‌شود.

با وجود آنکه مطابق قانون اساسی به نقش مردم و گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند سیاست‌گذاری (با مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی‌و شوراهای اسلامی‌شهر) توجه شده است؛ اما این پرسش مطرح است که آیا صرفاً با سازوکار انتخابات، مشارکت مردم در فرایند سیاست‌گذاری تضمین می‌شود؟ به‌علاوه آیا نظام انتخاباتی در ایران بازتاب دهنده همه گروه‌ها و سلایق فکری و سیاسی جامعه می‌باشد تا همه سلایق را در روند مشارکت در فرآیند سیاست‌گذاری دخیل نماید؟ همچنین این پرسش مطرح است که توان سیاست‌گذاری نهادهای انتخابی یادشده در مقابل توان سیاست‌گذاری نهادهای انتصابی چه میزان است؟ و آیا این توان یارای اعمال خواست عمومی‌در فرآیند سیاست‌گذاری را دارد؟ و به علاوه آیا محمل یا سازوکاری برای نقش‌آفرینی مردم و جامعه مدنی برای مشارکت در فرآیند سیاست‌گذاری پس از انتخابات تعبیه شده است؟

گرچه پاسخِ پرسش‌های مذکور منفی و ناامیدکننده است؛ اما این امرِ را باید در تناقض پارادایمی‌حاکم بر نظام سیاست‌گذاری در ایران (البته با غلبه‌ی محتوایی پارادایم حکومت محوری) جست‌وجو کرد. تناقض در پارادایم نظام سیاست‌گذاری منبعث از ضعف در طراحی نظام سیاسی و ترکیب نامتجانس پارادایم امت و پارادایم ملت (البته با غلبه‌ی محتوایی پارادایم امت) را می‌توان از پیشران‌های بی‌توجهی به مشارکت فعال و پویای جامعه مدنی و گروه‌های ذی‌نفع در فرایند سیاست‌گذاری در تمامی‌مراحل و سطوح آن برشمرد.

تضاد سیاست‌های تدوین‌شده با خواست عمومی‌و حقوق فردی در برخی موارد و نیز طرد برخی گروه‌های فکری و سیاسی، شکاف‌های تمدنی و هویتی، رتبه پایین در شاخص‌های حکمرانی، عدم پذیرش آراء و اندیشه‌های متکثر و ممانعت از بروز، ظهور و به رسمیت شناختن مشارکت گروه‌های مدنی در فرآیند سیاست‌گذاری سبب زوال سرمایه و اعتماد اجتماعی و در نتیجه آن عدم اقناع، اجماع و حمایت همه‌جانبه از سیاست‌های تدوین شده را در پی داشته است.

گرچه دهه‌هاست غفلت از خواست عموم در سیاست‌های تدوین شده به سهولت قابل مشاهده است؛ اما حوادث آبان ۹۸ و انتخابات غیررقابتی در سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ را می‌توان چیرگی کامل پارادایم حکومت محور و عریانی وجه اجبار در نظام سیاست‌گذاری در ایران توصیف کرد. سیاست‌گذاری سلسله مراتبی و آمرانه مبتنی بر تجویز توام با فشار، تحمیل و کنترل و به محاق رفتن خواست عموم در مسلخ پارادایم غالب در «اصلاح قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی» و در نتیجه عدم اجماع، اقناع و حمایت پسینی را می‌توان پیشران اصلی حوادث آبان ۹۸ توصیف کرد.

سخن پایانی

با این وصف ضرورت اصلاح منطق سیاست‌گذاری، توجه به نقش گروه‌های مدنی و مردم و لذا حرکت در مسیر پارادایم حکمرانی در نظام سیاست‌گذاری ایران اهمیت می‌یابد. غفلت از مشارکت مردم و نهادهای مدنی در تمامی‌مراحل فرایند سیاست‌گذاری و استمرار بر امتداد مسیر در تناقض پارادایمی‌موجود (با هژمونی پارادایم حکومت‌محور) همچون آبان خونین ۹۸ رهاوردی جز تنش، التهاب و افول سرمایه اجتماعی در پی نخواهد داشت و از این‌رو گذار پارادایمی‌با تأکید بر سیاست‌گذاری بر بستر مصالح عمومی‌و منافع ملی با تعبیه ساز و کارهای متناسب (در نظام سیاست‌گذاری) برای فراهم آوردن مشارکت فعال مردم و نهادهای مدنی (جهت ارتقای ظرفیت سیاست‌گذاری) برای برون‌رفت از بحران‌های کنونی ضرورت می‌یابد.

«تضاد هویتی» پاشنه‌آشیل تمدن ایران زمین

حمید خاورزمینی*

در این نوشتار پس از توضیحاتی در مورد هویت فردی و اجتماعی و اشاراتی به هویت جنسی و نژادی به هویت ملی و مذهبی در ایران امروز پرداخته شده و به خطر بزرگی که در کمین تمدن ایرانی است اشاره خواهد شد.

تعریف هویت

هویت نه تنها یکی از عناصر تشکیل دهنده شخصیت بلکه از اجزای اصلی جامعه است افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند دارای هویت جمعی هستند برای تعریف هویت فردی پاسخ به سوال «من کیستم» و برای تعریف هویت اجتماعی پاسخ به سوال «ما کیستیم» دقیق ترین و ساده ترین تعریف است. برخلاف آنچه تصور عامه است که گمان می‌کنند این هویت فردی است که باعث می‌شود باید گفت این هویت جمعی است که بخش بزرگی از هویت فردی را تعیین می‌کند یکی از نخستین ویژگی‌های فردی می‌توان آن را اولین هویت فرد دانست هویت جنسی است که عامل انتخاب نام نسبت وی با اطرافیان می‌شود اینکه جامعه چقدر روی این هویت حساسیت داشته باشد و چه چیزهایی را از وی در مقابل این هویت که به فرد می‌دهد بخواهد یکی از مولفه‌های شکل گیری هویت و در نتیجه شخصیت وی است هر چند شخصیت یک موضوع روانشناختی است اما هویت فردی بیش از آن که در حوزه علم روانشناسی مطرح باشد در جامعه شناسی جایگاه دارد هویت دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد» هویت نژادی «است در دوران سنت - مدرنیته تصوری از هویت قومی‌نژادی در تمام جوامع وجود داشت افراد خود را با هویت جمعی خود معرفی می‌کردند بعد از پیشرفت‌های عظیم در علم ژنتیک همزمان با دوران پست مدرن اتفاق افتاده است هویت‌های قومی‌نژادی و به چالش کشیده شده‌اند زیرا آثار جنگ ها و مهاجرت ها موجب تنوع ژنتیکی و هیبریدی نژادها و قومیت ها شده فراهم بودن امکان شناخت دقیق فرم مول‌های ژنتیکی و مشخص شدن نژاد افراد نه تنها در دوران اخیر بلکه از گذشته ها نیز تصورات هویتی افراد را از ژنتیک خود به هم ریخته است این تنوع از گذشته نیز وجود داشته اما باورمندی افراد هر جامعه با وجود نادرست بودن آن آنرا منطقی و قابل پذیرش اما با شرایطی که گفته شد این قطعیت با چالش جدی مواجه است. در مورد کشور ما تنوع قومیتی تعدد جنگ‌ها، هجوم اقوام بیگانه و نسل کشی‌های فراگیر موجب شد که هویت نژادی ایرانی که در ابتدا در قالب سه قومیت پارت، پارس و ماد تعریف می‌شد دچار دگرگونیهای اساسی شود که نقش حکومت ها در پرداختن به دامن زدن و یا محدود کردن آن غیر قابل انکار و مسجل است به شکلی که شاعر پر احساسی مانند سهراب سپهری نسب خود را بگونه ای متهورانه می سراید.

اهل کاشانم
نسبم شاید برسد
به گیاهی در هند،
به سفالینه ای از خاک سیلک
نسبم شاید،
به زنی فاحشه در شهر بخارا برسد
پدرم پشت دو بار آمدن چلچله ها، پشت دو برف
پدرم پشت دو خوابیدن در مهتابی پدرم پشت زمان ها مرده است.

هویت ملی و مذهبی ایران و بحران پیش رو

در دوران معاصر با وجود تلاش حکومت پهلوی برای برساخت سازی هویتی و بازسازی ملیت ایرانی با استفاده از عناصر فرهنگی ایران باستان و تعاریف دنیای مدرن از ملیت که بعضاً موجب نارضایتی برخی اقوام را فراهم ساخت و در نهایت با با وقوع انقلاب اسلامی‌که بر هویت مذهبی تاکید داشت و هویت مذهبی تحت شرایط انقلاب اسلامی‌ارکان قدرت هویت ملی را تا سالها در حاشیه قرار داد.

بحران هویتی در ایران امروز ناشی از انگاره ها و الگوهای متضاد فرهنگی و دستگاه‌های رسانه ای است که یکی از بحران‌های اجتماعی به شمار می‌آید و بخشی از آن به هویت فردی اجتماعی مربوط می‌شود یکی از عمده ترین این تضاد هویتی،تضاد با هویت ملی یا مذهبی است اگر به ۵۰۰ سال پیش هنگامی‌که ایرانی بودن در حال باز تعریف توسط حکومت صفویه بود برگردیم صفویان با انواع روش ها را حتی تحریف تاریخ سعی نمودند هویت ملی و مذهبی را بهم پیوند داده و هویت ملی مذهبی ایجاد نمایند به این منظور حتی از باز تعریف عناصر فرهنگی ایران باستان در قالب عناصر فرهنگی مذهبی دریغ نورزیده اند تجمیع رستم و علی علیه السلام در کنار هم در نقالی ها و نسبت دادن خود به علویان و تمامی‌آنچه که دکتر شریعتی و دیگران در نقد آنان گفتند همگی برای تثبیت هویتی بود که بتواند ضامن ادامه حیات سیاسی صفویان شود و حال در شرایطی قرار گرفته‌ایم که این دو عنصر در تقابل و تضاد با هم تبلیغ می‌شود پدیده ای که در تاریخ اجتماعی ایران اگر بی‌بدیل نباشد بسیار به ندرت اتفاق افتاده است چرا که تمامی‌جنبه‌های هویت کاری ایرانیان رنگ و بوی مذهبی داشته است که گاه با بازخوانی مذهب و گاه با فرقه سازی متبلور و متجلی بوده است. تبلیغات دو سویه‌های که سعی در حذف عناصر فرهنگی هویت بخش ملیت و مذهب می‌شود جنگی است که از هیچ سو برنده ای ندارد و تنها پیروز آن نولیبرالیسم تجویزی برای کشورهای جنوب است. چرا که مصرف گرایی و ظاهر گرایی به قدری در ایران رواج یافته که کوچکترین خلا فرهنگی را پر میکند برای توضیح بیشتر این گونه تبیین می‌شود که پرداختن به ظواهر و مصرفگرایی مانند رنگ و لعاب فراوانی است که هر بخشی از اجزای این دو هویت ملی یا مذهبی شکسته شود جای ان را پر می‌کند مثلاً در مورد عنصر فرهنگی شهامت و پایمردی اگر بابک خرمدین را در تقابل و تضاد با امام حسین (ع) قرار دهیم این گونه نیست که اگر بزرگی هر یک از این دو شخصیت را کم انگاشتیم دیگری را بزرگتر کرده باشیم بلکه بیش از هر چیز فرهنگ خفت و خواری را تبلیغ نموده ایم چرا که در فضایی که مصرف گرایی افراطی امروز در تمامی‌جهان تبلیغ می‌شود چیزی به نام رشادت و شهامت وجود ندارد و این مفاهیم تنها با نمادهای تاریخی آن قابل تقدیر و تعظیم است شرایط موجود به هیچ وجه به نفع فرهنگ عمومی‌جامعه نیست و قطعاً شرایط را برای حکومت کردن حاکمان و زندگی شهروندان سخت تر می‌کند چرا که وقتی هویت جمعی یعنی پاسخ به سوال «ما کیستیم» فاقد یک جواب حداکثری باشد تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برای آن جمع سخت و گاه غیر ممکن است و شهروندان نیز بلاتکلیف و سرگردان و در نهایت چند چهره خواهند بود ولذا بی توجهی و تحقیر فرهنگ ملی از سوی دولتمردان بریدن بن شاخه ای است که بر آن نشسته اند. همچنین علاقمندان به میهن با نفی آنچه به نام دین (با هر نام اعم از آریانی و ابراهیمی‌و یا اسلام و یهود و مسیح و بودا و هندو و زرتشت) در جهان شناخته شده است نیز بی هویتی را برای طبقات مختلف اجتماعی از فرو دست تا فرا دست به ارمغان می‌اورند که آن هم همان حکم بریدن بن شاخه است.

یکی برسر شاخ بن می‌برید...

راهکار عملی

ناگفته پیداست که درین مبحث قصد تکریم و تعظیم به تمامی‌نمادها، اسطوره ها و عناصر فرهنگی موجود در ملیت و مذهب را نداریم چرا که نمادهای افراطی هر دو شرایط تضاد را تشدید می‌کند بلکه توصیه می‌شود همانگونه که آنتونی گیدنز -جامعه شناس معاصر و مشهور انگلیسی و مشاور ارشد تونی بلر- به جامعه و حکومت انگلستان پیشنهاد نمود تا سنت یعنی آنچه که ما هم در مذهب و درهم در ملیت با آن مواجه هستیم را مورد نقد و بازبینی قرار دهیم و عناصر مفید را تکریم و اضافات را کنار بگذاریم.

مشابه این اقدام در اندیشه و آثار بزرگانی چون مطهری، شریعتی؛ باستانی پاریزی و علامه طباطبایی و...به چشم می‌خورد که البته منظور صحه گذاشتن بر تمامی‌نتایجی که این افراد به دست آورده‌اند نیست بلکه روش و اصول و نگاه انتقادی این افراد در حوزه‌های تخصصی خود می‌باشد مثلاً مرحوم مطهری که شخصیتی مربوط به حوزه سنتی دین است در کتاب «حماسه حسینی» با نقد علمی‌حواشی، زخارف و خرافات الصاق شده به شیعه که محور اصلی آن واقعه عاشورا است ضمن تکریم اصالت مورد نظر خود؛ به حذف عناصر مضر، دروغ و خلاف واقع که گمراه کننده مردمان باورمند به تشیع است می‌پردازد و این اقدام باید در همه حوزه‌های فرهنگی توسط متولیان همان حوزه انجام شود و در غیر این صورت به جای هرس و ویرایش دلسوزانه توسط مخالفان این بخش از سنت یا هویت به فرهنگی از ریشه زده خواهد شد.

***فعال سیاسی اجتماعی و دانش آموخته جامعه شناسی**